

راز غربت امام کاظم (ع)



متن سخنرانی

## «فقدان شیعه اجتماعی؛ راز غربت امام کاظم (ع)»

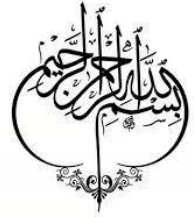
«شیعه اعتقادی، شیعه اجتماعی»

علیرضا پناهیان

شهادت امام کاظم (ع)

کانال حوزه و تبلیغ \_ علیرضا پناهیان

[https://eitaa.com/Hawzah\\_Panahian](https://eitaa.com/Hawzah_Panahian)



## فهرست اجمالی:

انتظار امام، نصرت هست نه فقط اطاعت

شیعه باید خانه را پس بگیرد

عُجب و غرور حق بودن

ولایت طولی و ولایت عرضی

شیعه اجتماعی یعنی شیعه که مسئولیت اجتماعی را می پذیرد

امام کسی است که افراد را به اوج تشخیص می‌رساند

مسئولیت اجتماعی یعنی؛ ما باید بلند شویم کار خودمان را خودمان اداره کنیم

## راز غربت امام کاظم(ع)

### راز غربت موسی بن جعفر(ع)

شاید برای ما هم این سؤال پیش آمده باشد که چرا مردم بعد از اباعبدالله الحسین(ع) به طور خاص برای عزاداری موسی بن جعفر(ع) حساب دیگری باز می کنند، انگار یک دریافت ویژه از غربت و مظلومیت حضرت دارند. اینها بی حکمت نیست. بوی غربت ویژه از شهادت امام کاظم(ع)، به مشام می رسد. راز این غربت چیست؟

در سخنی امام موسی بن جعفر(ع) در کافی شریف آمده که «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ غَضِبَ عَلَيَّ الشَّيْعَةَ» خداوند متعال غضب کرد به شیعیان در زمان امام موسی بن جعفر(ع)، چرا؟ چون انتظار می رفت آن همه شاگردان امام جعفر صادق(ع) اقدامی کنند؛ پس کجا هستند این شاگردان که باید امام ما را اینقدر زندان ببرند و بعد این طور در اوج مظلومیت به شهادت برسانند؟ بعد امام می فرماید که «فَخَيَّرَنِي نَفْسِي أَوْ هُمْ»؛ خداوند متعال می خواست خب بلا نازل کند بر این جامعه شیعه. در واقع خداوند متعال می فرماید که من الآن می خواهم بلا نازل کنم. بر شیعیان بلا نازل کنم یا شما؟ شما تحمل بلای این ضعف شیعیان را خواهی کرد؟ بعد حضرت می فرماید «فَوَقَّيْتُهُمْ وَاللَّهِ بِنَفْسِي»؛ من خودم را سپر بلای شیعیان قرار دادم. والله به جان خودم، یعنی به واسطه جان خودم و این مظلومیتی که من تحمل کردم شیعیانم را از بلا نجات دادم.

بینید این یک حق خاصی از امام موسی بن جعفر(ع) به گردن ما می آورد. این یک وضع خاصی را ایجاد می کند. لذا شاید در عالم واقع این سمّت باب الحوائج که مردم در خانه امام موسی بن جعفر(ع) می گویند به خاطر این زجرها و زحمت های است که حضرت برای ما کشیده اند. خیلی بیشتر به گردن همه حق دارد، خیلی غربت خاصی را تحمل کرده اند.

## راز غربت امام کاظم (ع)

اگر ما شهادت و زندان رفتن هر یک از امامان مان را به خاطر وضعیت اجتماعی سیاسی زمان خودشان، طبیعی بدانیم، شهادت و زندان رفتن امام کاظم (ع)، در آن فضایی که پر از شعار محبت اهل بیت بود، اصلاً بنی‌العباس با علم کردن شعار محبت اهل بیت، به قدرت رسیده بودند. در آن فضایی که امام صادق (ع) آن همه شاگرد داشتند و این شاگردان باید در خدمت موسی بن جعفر (ع) باشند و این همه تشیع آموزش داده شده بود. پس چرا موسی بن جعفر (ع)، این همه در اوج مظلومیت قرار داشتند؟

## شیعه اعتقادی در زمان امام کاظم (ع)

بینید زمان امام موسی بن جعفر (ع) شیعه زیاد داشتیم. منتها اینها شیعه‌های عقیدتی بودند. شیعه عقیدتی یعنی فقط عقیده‌شان درست شده بود. از نظر اجتماعی شیعه نشده بودند. شیعه اجتماعی چه ویژگی‌هایی دارد؟ شیعه اجتماعی آن شیعه‌ای است که می‌تواند برای کمک به امام جامعه‌سازی بکند. می‌تواند روابط اجتماعی صحیح شکل بدهد. می‌تواند شبکه اجتماعی درست بکند.

الآن اتفاقی که در جمهوری اسلامی افتاده چیست؟ شیعه یک جامعه، یک نظام، یک قدرت تشکیل داده. فرق می‌کند به شیعه‌ای که فقط عقیده دارد امام برتر است، امام معصوم است، امام علم غیب دارد، امام باید اطاعت بشود، و همین و بس. شیعه بودن یک لوازمی دارد تا بتواند شیعه آن رسالت اصلی خودش را یعنی نصرت امام را به اجرا برساند.

## انتظار امام، نصرت هست نه فقط اطاعت

امامان ما آن انتظاری که از شیعیان دارند، نصرت امام است. نصرت امام که هدف حج است. نصرت امام که در زیارت جامعه و بسیاری از زیارت‌ها هست. اصلاً فلسفه این زیارت‌ها و

## راز غربت امام کاظم (ع)

عزاداری‌ها و اینها نصرت امام است. ما بعد از اینکه دیدیم شیعیان در زمان امام صادق (ع)، از لحاظ تعداد افزایش پیدا کردند و فهم‌شان هم از تشیع بالا رفت، باید ببینیم آیا از نظر اجتماعی هم توانستند و خواستند کاری انجام دهند و الا چرا خدا به شیعه غضب کند؟ رفتار اجتماعی شیعه یک اقتضائاتی دارد که حداقلش آن بحث‌های اخلاقی و مواسات و این طور مباحث است. حداکثرش این است که یک قدرتی را فراهم کنند امام بیاید از این قدرت استفاده بکند تا بتواند جامعه را آباد و آزاد کند.

### شیعه باید خانه را پس بگیرد

هارون ملعون امام کاظم (ع) را احضار کرد، هارون مقتدر بود، می‌خواست اقتدار خودش را با نشان دادن کاخش به رخ حضرت بکشد. برگشت گفت نظرت نسبت به این خانه چیست؟ حضرت فرمود: «اینجا خانه فاسقین است». شاید همین صراحت گویی، موجب شهادت حضرت شد؛ بعد آیه‌ای از قرآن را خواندند دربارهٔ کسانی که حرف حق را هیچ‌وقت قبول نمی‌کنند، یعنی فایده ندارد من با تو که متکبر هستی حرفی بزنم، تو هیچ‌وقت حرف حق را قبول نمی‌کنی. این آیه را برای هارون خواندند که «سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف، ۱۴۶).

بعد هارون برگشت گفت: «فَدَاؤُ مَنْ هِيَ؟» یعنی پس اینجا خانه کیست که حالا ما مثلاً آمدیم غضب کردیم و متکبر شدیم و اینها به نظر شما؟ حضرت فرمودند این خانه برای ما است؛ فرمودند: «هِيَ لِشِيعَتِنَا؛ این خانه برای شیعیان ما هست» بعد گفت پس چرا صاحب این خانه، یعنی شیعیان شما؛ خانه را پس نمی‌گیرند؟ حضرت فرمودند: «أَخَذْتُ مِنْهُ عَامِرَةً وَ لَا يَأْخُذُهَا إِلَّا

## راز غربت امام کاظم (ع)

مَعْمُورَةٌ ؛ این خانه را آباد از آنها گرفته شد و وقتی پس می گیرند که بتواند آن را آباد کند» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹)

حالا سوال اینجاست که چرا امام کاظم (ع) نیامدند این خانه را بگیرند و در واقع قیام چرا قیام نکردند؟ جواب این است با چه کسانی؟ با عده که اسم خودشان را گذاشته اند، شیعه، همان اعتقادات به امامتشان اینقدر مشکل دارند که سه تا از فرق مهم شیعه در زمان امام کاظم (ع) شکل گرفته است. دو تا از این فرقه‌ها در زمان امام کاظم (ع) و یکی بعد از شهادت امام کاظم (ع).

موسی بن جعفر (ع) فرمودند: « اگر من شیعیان خود را امتحان کنم؛ جز عده کمی هم مدعی شیعه بودند هستند؛ اینها به پستی های نرم تکیه زده اند و می گویند ما شیعه علی هستیم؛ شیعه علی کسی است که رفتارش و اقدام عملی او، درستی حرفش را نشان می دهد؛ لَوْ مَيَّرْتُ شِيعَتِي لَمْ أَجِدْهُمْ إِلَّا وَاصِفَةً وَ لَوْ اِمْتَحَنْتُهُمْ لَمَا وَجَدْتُهُمْ إِلَّا مُزَنِّدِينَ وَ لَوْ تَمَحَّصْتُهُمْ لَمَا خَلَصَ مِنَ الْأَفِّ وَاحِدٌ وَ لَوْ غَزَبْتُهُمْ غَزَبَةً لَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ إِلَّا مَا كَانَ لِي إِنَّهُمْ طَالَ مَا اتَّكُوا عَلَى الْأَرَائِكِ فَقَالُوا نَحْنُ شِيعَةٌ عَلِيٍّ إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ مَنْ صَدَّقَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ. » (کافی، ج ۸، ص ۲۲۸). این وضعیت شیعه در زمان امام کاظم (ع) است.

## عُجْب و غرور حق بودن

علت این آفت و اختلافات، عُجْب است. عُجْب عقیده. عُجْب حق بودن. مرحوم شاه آبادی استاد عرفان حضرت امام (ره)، خیلی تعبیر خاصی دارند. می فرمایند: «غرور اهل حق.»<sup>۱</sup> کسانی که

<sup>۱</sup> کتاب شذرات المعارف آیت الله محمدعلی شاه آبادی (ره) - ص: ۲۳ تا ۶۵

## راز غربت امام کاظم (ع)

حق را می‌فهمند و بعد در این حق اینقدر مغرور می‌شوند گاهی صاحب حق را هم می‌خواهند کنار بزنند. واقفیه چطور به وجود آمد؟ خب اینها را چه طوری می‌توان مهار کرد؟ الزامات اجتماعی شیعه شدن که ولایت عرضی را اقتضاء می‌کند نه ولایت طولی، این را شیعیان بلد نبودند، بلد نبودند جامعه بسازند.

### ولایت طولی و ولایت عرضی

ما دو نوع ولایت داریم. یکی ولایت طولی در ارتباط با امام و دیگری ولایت عرضی در ارتباط با دیگر شیعیان؛ باز یکی از کسانی که این موضوع را خیلی خوب شرح داده مرحوم شاه‌آبادی استاد عرفان حضرت امام است. اینکه امام شاگرد آقای شاه‌آبادی است و بعد این قیام را انجام می‌دهد و بعد بسیج را شکل می‌دهد، می‌فرماید بسیج شجره طیبه این انقلاب است و توصیفی که برای بسیج دارند به اصطلاح برای هیچ چیز دیگری این توصیف را حضرت امام ندارند به این دلیل است.

آن جریانی که باید اتفاق می‌افتاد زمان امام موسی بن جعفر (ع) این بود شیعیان فقط عقیده به ولایت امام داشتند. اما در عمل ولایت طولی را به ولایت عرضی یعنی بین خودشان نکشیده بودند. شیعه اعتقادی بودند نه شیعه اجتماعی. شیعه اجتماعی یعنی بُعد اجتماعی تشیع در زمان امام موسی بن جعفر (ع) شکل نگرفته بود. اگر بخواهد امام غربی نکشد باید جمعی از شیعیان داشته باشد که آنها رابطه‌شان فقط به امام نیست، رابطه‌شان در واقع با همدیگر است. اینجا یک پدیده‌ای یک مفهومی به وجود می‌آید به نام نصرت امام.

## راز غربت امام کاظم (ع)

### آموزش مفهوم نصرت امام در سرفصل های درسی مدارس

ما باید به سرفصل های مدرسه ای مان این بحث را اضافه کنیم که ما یک مفهومی داریم به نام اعتقاد به امام؛ یک مفهومی داریم به نام پیروی از امامان؛ یک مفهومی داریم به نام اطاعت از امام. درست است؟ این مفاهیم را داریم؛ یک مفهومی داریم به نام تقرب به امام؛ این مفاهیم مختلفی که هست. یک مفهوم هم داریم به نام نصرت امام. مهم ترین مفهوم در بین این مفاهیم، ارزشمندترین اش برای نجات جامعه بشری، مفهوم نصرت است.

### معنای شیعه اجتماعی

الآن وضع ما خیلی بهتر است نسبت به وضع شیعیان در زمان امام موسی بن جعفر (ع)؛ نه تنها فرقه سازی آن زمان را نداریم، اجتماعی تر هم شده ایم. حالا آیا ما در این زمان با همه این امتیازات سرآمد هستیم؟ امام کاظم (ع) از ما راضی هستند؟ نه، چون امام زمان ظهور نکردند. حضرت به هارون فرمود وقتی امام زمان (عج) می آید که بتواند با ماها جهان را آباد کند.

رشد اجتماعی شیعه، معنایش این نیست که از نظر معنوی و عرفانی و سیر و سلوک الی الله خیلی بالا برویم. معنایش این نیست که حالا ما نمازخوان شدیم باید حتماً نماز شبخوان هم بشویم تا آقا امام زمان (ع) بیاید. ما نمازخوان شدیم چون نمازمان را اول وقت نخواندیم امام زمان نمی آید. خیر؛ ما باید کاری اساسی تر انجام دهیم و آن تقویت ولایت عرضی و ارتباطات شیعه با یکدیگر است.

مثلاً ببینید آیت الله العظمی بهجت (ره) از ما چه گله ای دارند؟ فرمود ماها مؤمنین مان ده میلیون نمی شوند؟ حالا رقم ده میلیون فکر کنم فرمودند. بعد حالا عبارت هایش شبیه عبارت ایشان است. ماها هر کدام ماهیانه هزار تومان نمی توانیم بگذاریم کنار برای رفع گرفتاری



## راز غربت امام کاظم (ع)

مسلمین؟ بگوییم نداریم دروغ می‌گوییم. بعد این هزار تومان ده میلیون نفر چقدر می‌شود؟ چه گره‌هایی را می‌تواند باز کند؟ چرا اینکار را نمی‌کنیم؟!<sup>۲</sup>

### هم دلانه زندگی کردن، لازمه شیعه اجتماعی بودن

چرا این طوری داریم زندگی می‌کنیم؟ نمی‌دانیم لازمه شیعه بودن یک پیوند مستحکم بین مؤمنین است؟ امام زمان (عج) فرمود «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا» (الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹) اگر بینیم قلباً شیعیان جمع شدند با هم دلی متحد شدند در آن عهدی که با ما بستند، دیدار ما به تاخیر نخواهد افتاد. ما الآن با هم دلی متحد شدیم؟ ما الآن با هم دلی داریم کار می‌کنیم؟ و این عشقی که بسیجی‌ها نسبت به همدیگر پیدا می‌کنند، این جلوه‌های مطلوبی است که اهل بیت می‌خواهند؛ ولی جامعه ما این طوری اداره نمی‌شود. الآن در جامعه ما، مردم به سبک غربی، زندگی می‌کنند، هر کی ساز خودش را می‌زند. آن دلدادگی و مواسات بین مردم نیست. وقتی که دلدادگی و آن پیوند نبود خیلی از مشکلات مثل بی‌عدالتی و اینها هم رخ می‌دهد.

### ولایت عرضی یعنی ...

ولایت عرضی یعنی این؛ امام کاظم (ع) می‌فرماید در کافی شریف: مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ؛ اگر یک برادر دینی آمد یک حاجتی را پیش شما آورد، اگر شما کارش را انجام دادی، «فَإِنْ قَبِلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا»، به ما وصل شده به ولایت ما رسیده اگر این برادر دینی تان را

[ht tps://v0.bahjat.ir/index.php/2011-09-08-10-59-53/62-2012-05-16-03-32-40/1286-](http://www.bahjat.ir/index.php/2011-09-08-10-59-53/62-2012-05-16-03-32-40/1286-)

[2013-02-04-12-19-49.html](http://2013-02-04-12-19-49.html)

## راز غربت امام کاظم (ع)

شما کارش را انجام دادی؛ «وَهُوَ مَوْصُولٌ بِوِلَايَةِ اللَّهِ» (کافی، ج ۲، ص ۱۹۶)، این اتصال به ولایت ما هم شما را به ولایت خدا می‌رساند. «وَإِنْ رَدَّ عَنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ يَقْدِرُ»، اگر رد کرد حاجت برادر دینی‌اش را درحالی‌که می‌توانست، خدا یک ماری را از آتش در قبر او قرار می‌دهد، اگر عذر داشته باشد تا روز قیامت این مار کنارش هست با وحشت سپری خواهد کرد تا روز قیامت، اگر عذر نداشته باشد که دیگر بدتر خواهد بود. ببینید تازه اگر عذر داشته باشد.

در نقل دیگری هست که یک نفر پیش امام کاظم (ع) نشسته بود کس دیگری می‌گوید وارد شدم. خب او آمده به امام عرض ارادت بکنند. آقا می‌فرماید که ایشان را می‌بینی؟ یکی از دوستان تو است، یکی از شیعیان است، می‌گوید بله آقا. می‌فرماید دوستش داری یا نه؟ نمی‌فرماید من را دوست داری یا نه؛ می‌فرماید او را دوست داری یا نه؟ می‌گوید آقا جان دوستشان دارم به خاطر شما. می‌فرماید که: «هُوَ أَخُوكَ، وَ الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَأُمِّهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اتَّهَمَ أَخَاهُ» (عده الداعی، ص ۱۸۷)؛ ملعون است کسی که متهم کند برادر دینی‌اش را، ملعون است کسی که کم بگذارد از برادر دینی‌اش، ملعون است کسی که دلسوزی برای برادر دینی نکند، ملعون است کسی ایثار نکند و ملعون است کسی که خودش را پنهان کند که حاجت برادر دینی‌اش را به اجرا نرساند.

## شیعه اجتماعی یعنی شیعه که مسئولیت اجتماعی را می‌پذیرد

چرا باید خداوند متعال به شیعه در زمان امام کاظم (ع) غضب کند؟ چون آن معرفت و آن شعور اجتماعی در بین شان نبود. آن ولایت عرضی رابطه بین مؤمنین، آنچنان که باید و شاید تحقق پیدا نکرده بود. خب اینجا غضب می‌کند. این غضب موجب می‌شود که امامان یکی پس از دیگری غریب‌تر شوند تا کار به دوران غیبت بکشد. چرا؟

## راز غربت امام کاظم (ع)

چون شیعه زبربار مسئولیت اجتماعی خودش نرفته بود. شیعه اجتماعی یعنی شیعه که مسئولیت اجتماعی را می پذیرد ببینید خیلی ها دوست دارند یک امام بالاسرشان باشد دستور بدهند آنها اجرا کنند، ولی امام به این سادگی دستور نمی دهد! مسئولیت فهم دستورات او را اولاً به خود واگذار می کند؛ مسئولیت تشخیص موقعیت را خیلی وقت ها به خودت واگذار می کند؛ مسئولیت شناسایی منافق از مؤمن را به خودت واگذار می کند؛ مسئولیت درک مهماتی که میزان اهمیتی که امام برای هر چیزی قائل است را به خودت واگذار می کند. لذا اکثر کسانی که به امامت معتقد هستند، چون روی موضوع مسئولیت پذیری کار نکردند کنار امام که قرار می گیرند امام غریب می ماند. اینها منتظرند امام مثل دیکتاتور باهاشون برخورد کند. کما اینکه بعضی ها که به امامت و ولایت دشمن اند، در جامعه ما هم همین طور هستند یک عده ای غریب زده، خیلی اومانیستی فکر می کنند، فکر می کنند امامت و ولایت نقطه مقابل استقلال انسان، نقطه مقابل حقوق بشر، نقطه مقابل آزادی و حق انتخاب و اختیار است.

### امام کسی است که افراد را به اوج تشخیص می رساند

در غرب ادعای حقوق بشر، ادعای آزادی انسان، ادعای حق انتخاب بیان شده، ولی هیچ کدام از این حقوق رعایت نمی شود. اینهایی که در کشور ما غریب زده هستند، آدم های بسیار ساده لوحی هستند اگر بیمار نباشند، که شعارهای غربی ها را باور کردند اولاً، ثانیاً خیلی آدم های نادانی هستند که معنای امامت را نفهمیدند. امام یعنی کسی که افراد را نه مطیع خودش بار بیاورد.

امام کسی است که افراد را به اوج تشخیص می رساند. به اوج استقلال روحی می رساند. نمی گوید تو مقلد باش، می گوید تو به حکمت باید بررسی. اصلاً از دل تو هر چه جوشید آن درست است. امام با انسان ها در موقعیتی برخورد می کند که عالی ترین استقلال و آزادی و رعایت

## راز غربت امام کاظم (ع)

حقوق انسان‌ها را به انسان‌ها می‌دهد. اگر نمی‌خواست آزادی بدهد اصلاً فلسفهٔ دین چه بود؟ اصلاً فلسفهٔ خلقت چه بود؟ فلسفهٔ اینکه این همه مظلومیت اولیاء خدا پدید بیاید چیست؟

امام می‌آمد با یک گروهی زندگی همه را درست می‌کرد. همین امام کاظم (ع) فدایشان بشوم با یک تعدادی می‌توانستند کار همه را سامان بدهند! آن شهدای فسخ که زمان امام موسی بن جعفر (ع) به شهادت رسیدند، واقعاً تعدادشان فراوان بود، محکم ایستاده بودند، محکم می‌خواستند بجنگند. اگر امام می‌خواست دیکتاتوری با یک گروهی جای احساس مسئولیتی که همه باید به برعهده بگیرند کارها را انجام می‌دادند ولی اینکار را نکردند؟

### چرا مردم در طول تاریخ به دیکتاتورها اجازه می‌دهند که برایشان حکومت کنند؟

چرا مردم در طول تاریخ به دیکتاتورها اجازه می‌دهند که برایشان حکومت بکنند؟ چون حوصلهٔ مسئولیت‌پذیری را ندارند. چرا مردم در مغرب‌زمین به دیکتاتوری نوین یعنی دموکراسی و ولایت مطلقهٔ احزاب، دیکتاتوری احزاب تن دادند؟ می‌دانند در احزاب رذل‌ترین انسان‌ها هستند. می‌دانند یک اوبامای خبیث جنایتکار هر چند به قول بعضی‌ها باادب به ظاهر، که این باادب بودنش خبیثانه‌تر از آن کسانی است که صریحاً مثل صدام جنایت می‌کند، چون او منافقانه دارد رفتار می‌کند؛ چرا به او تن می‌دهند؟ برای اینکه مردم احساس مسئولیت اجتماعی ندارند. در ولایت بیش از اطاعت احساس مسئولیت اجتماعی است که کار می‌کند. تو باید بلند شوی روی پای خودت بایستی. امام کار تو را انجام نمی‌دهد، امام سر از بدنش توی گودی قتلگاه بپزند کار تو را انجام نمی‌دهد!

## راز غربت امام کاظم (ع)

### مسئولیت اجتماعی یعنی؛ ما باید بلند شویم کار خودمان را خودمان اداره کنیم

مسئولیت اجتماعی یعنی؛ ما باید بلند شویم کار خودمان را خودمان اداره کنیم. الآن در کشور ما بعضی از این غرزه‌های بسیار ساده لوح فکر می‌کنند مردم بیایند صرفاً پای صندوق‌های رأی مشارکت اجتماعی رخ داده. خب این که در اروپا و آمریکا بدبخت هم هست. این مشارکت که در آن وضعیت فلاکت‌باری که جنایتکارترین و رذل‌ترین انسان‌ها می‌آیند روی کار هم هست. پس جمهوری اسلامی هنرش چیست؟

مقام معظم رهبری فرمودند مشارکت مردم‌سالاری دینی به این نیست که مردم فقط بیایند پای صندوق رأی و بروند.<sup>۳</sup> اصلاً هیچ فرمانداری در هیچ منطقه‌ای بدون اجازه مردمش نباید بتواند آب بخورد از بس مردم فعالند در اداره امور خودشان. وزارتخانه‌های مربوط به کسب و کاسبی مردم، به تجارت و کشاورزی مردم نباید بدون اجازه مردم قدرتمند قوی‌شده فعال در امور اقتصادی و معیشتی بتوانند آب بخورند!

چرا رانت‌خواری صورت می‌گیرد؟ چون تکاثر ثروت و قدرت در وزارتخانه‌هاست، چون مردم ضعیف شدند. چرا یک کارخانه‌دار بدبخت می‌شود بخواهد خط تولید راه بیندازد؟ به دلیل اینکه ما نوعی دیکتاتوری مدرن را در قالب دموکراسی شبیه دموکراسی غربی به خورد مردم دادیم. ما هنوز نظام ولایی به‌طور کامل حاکم نکردیم.

---

<sup>۳</sup> ۰۳/۰۹/۳۹۵ بیانات در دیدار بسیجیان.

## راز غربت امام کاظم (ع)

### ولایت‌مداری یعنی کارهایمان را خودمان به عهده بگیریم

ولایت‌مداری یعنی کارهایمان را خودمان به عهده بگیریم هیچ‌کس نتواند ما را غارت کند؛ آن‌وقت ولیّ می‌آید هدایت می‌کند این عرصه را. داور فوتبال مگر جای بازیکن گل می‌کند؟ مربی مگر می‌آید توی زمین جای بازیکن گل بزند؟ ولایت می‌آید این جریان عظیم مسئولیت‌پذیری را یک هدایت کلیّ می‌کند. چرا قدرت مطلقه به او داده می‌شود؟ قدرت مطلقه‌ای که به او داده می‌شود برای این است که بتواند این امنیت را فراهم بکند، این هدایت را به خوبی انجام بدهد و جلوی دیکتاتورها را بگیرد. نه اینکه ولایت مطلقه دارد برای اینکه به جای مردم فکر کند به جای مردم تصمیم بگیرد به جای مردم اجرا کند به جای مردم.

### فلسفه نظام ولایی این هست که مردم تک‌تک خودشان احساس مسئولیت برای زندگی

#### خودشان بکنند

فلسفه نظام ولایی این هست که مردم تک‌تک خودشان احساس مسئولیت برای زندگی خودشان بکنند و جمعی برای اداره جمعی زندگی خودشان احساس مسئولیت کنند، حضرت آقا یک‌بار فرمودند در آغاز بیانیه گام دوم جمله فوق‌العاده حکیمانه‌ای ایشان دارند، می‌فرمایند هر کسی انقلابی نمی‌کند؛ هر جامعه‌ای انقلاب نمی‌کند. هر جامعه‌ای انقلاب بکند انقلابش را نگه نمی‌دارد. به چه دلیلی؟ به دلیل اینکه احساس مسئولیت کردن برای قیام برای حق خود، اصلاً مردم حال قیام کردن را ندارند. به همین دلیل اکثراً زیر سلطه دیکتاتورها هستند.

امام آمده چه کار کند؟ امام و ولی از طرف خدا و انبیاء آمده اند به قول قرآن «لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)؛ تا مردم بلند شوند خودشان قیام کنند به قسط. آقا پس شما چه کار می‌کنی؟ شما قیام به قسط بکن. می‌فرماید امام آمده تا مردم بلند شوند این مسئولیت اجتماعی

## راز غربت امام کاظم (ع)

خودشان قیام به قسط را انجام بدهند. امام این صحنه را کنترل می‌کند. امام اجازه نمی‌دهد کسی مستضعف بشود تا همه بتوانند با هم رقابت کنند.

امام موسی بن جعفر (ع) دارند نماز می‌خوانند کنار قبر مطهر رسول خدا (ص) در مسجد النبی، آمدند مأموران هارون ملعون سر نماز ایشان را کشاندند بردند؛ حتی به ایشان مهلت ندادند نمازشان تمام بشود. امام موسی بن جعفر (ع) شروع کردند گریه کردن که یا رسول الله ببین دارند با فرزندت چه کار می‌کنند! حالا دارند می‌کشاند امام را می‌برند، مردم هم دارند گریه می‌کنند.

امام می‌فرماید بابا تا شما قدرت پیدا نکنید، الآن بیست نفر دور من را گرفتید، این بیست نفر هم به شهادت می‌رسند، خب آنها دویست نفر برمی‌دارند می‌آورند، اسلحه‌شان بیشتر است؛ دویست نفر شدید آنها دوهزار نفر می‌آورند. تا شما قدرت پیدا نکنید که کسی مثل هارون ملعون بر شما سلطه پیدا نکند، تا به این قدرت نرسید که من غریب که غریب هستم که!

منبع:

علیرضا پناهیان، برگرفته از مبحث: «شیعه اعتقادی، شیعه اجتماعی»، کاظمین - برنامه در آستان خورشید، اسفند ۹۹.

<http://panahian.ir/post/6710>